علوم قرآنی در روایات رضوی

دکتر سهیلا پیروزفر[[1]](#footnote-2)

چکیده:

از رسالت های مهم ائمه اطهار(ع)تبیین معارف کتاب الهی است .امام رضا(ع) نیز با توجه به فضای حاکم و ضرورت ها و نیازمندی های عصر، در هر فرصتی معارف عمیق و معانی دقیق آیات را می آموختند،از جمله نکات قابل توجه در روایات امام(ع)توجه به آموزه هایی است که امروزه با عناوین علوم قرآنی و تاریخ قرآن مشهورند و زمینه های فهم بهتر کتاب الهی را فراهم می کنند،از جمله محکم و متشابه، نزول قرآن وجاودانگی آن مباحثی هستند که در لابلای روایات امام رضا(ع) قابل بررسی و تبیین هستند. این مقاله ضمن اشاره به آراء گوناگون در این موضوعات و تحلیل هر یک، از روایات امام رضا(ع) در تعیین نظر درست بهره گرفته است.

کلید واژه ها : امام رضا(ع)، علوم قرآنی، محکم و متشابه ،نزول دفعی و تدریجی، جاودانگی قرآن ،تحریف ناپذیری

1. طرح مسئله:

این مقاله ضمن ارائه تعریفی از علومی که به علوم قرآنی مشهورند ، پس از جستجو در روایات امام رضا(ع)در منابع مختلف، روایاتی که به عنوان علوم قرآنی مرتبطند را استخراج و ضمن توصیف و گزارش آراء دانشمندان و تطبیق روایات در باره آن ها به تحلیل محتوا ی آن پرداخته است.بحث در باره محکم و متشابه و نزول قرآن و نظر امام رضا(ع) در این باره و گفتار آن حضرت(ع) در باره جاودانگی قرآن مباحث مطرح در این مقاله هستند. موضوع محکم و متشابه و نزول وحی در حوزه علوم قرآنی با اختلاف نظر همراه است که با جستجو در روایات رضوی در پی تأیید یکی از آرا هستیم،

تذکر این نکته ضروری است که با بررسی فرمایشات امام(ع) موضوع اسباب نزول و نسخ نیز قابل پیگیری است و از آن جا که درتحلیل این موارد شبهه یا اختلاف چندانی مطرح نیست بحث در باره آن ها در این مقاله نیامده است.

مسئله تحقیق:

مباحث عمده مطرح در باره علوم قرآنی در روایات رضوی(ع) چه مباحثی است؟

فرضیه:

با توجه به فضای حاکم در دوره امام رضا(ع) و رشد و توسعه علوم نقلی و عقلی و پیدایش مکاتب کلامی وعقلی ... و به وجود آمدن شبهاتی در باره قرآن از سوی سایر ادیان، احتمالا مباحث مربوط به تحریف و اعجاز و جاودانگی قرآن و سبب نزول و کیفیت نزول قرآن باید در آن دوره مورد سوال بوده و از امام رضا(ع) روایاتی در این باره نقل شده باشد.

پس از جستجو در روایات سوالات اصلی این تحقیق به قرار زیر است:

سوالات:

1. محکم و متشابه از نظر امام رضا(ع) به چه معناست؟و با آراءدیگران چه رابطه ای دارد؟
2. نظر امام رضا(ع) در باره نزول قرآن چیست؟
3. زمان و مکان شمولی آیات قرآن و دستورات دین به چه معناست؟
4. امام رضا (ع)چگونه جاودانگی قرآن را تبیین کرده اند؟

ب.پيشينه علمي بحث

با جستجوهایی که انجام شد موضوع واكاوي روايات امام رضا(ع) در موضوعات مربوط به علوم قرآنی، براي نخستين باراست كه دراين نوشتار مورد بررسي قرارمي گيرد و تا کنون هیچ کتاب ،پایان نامه و مقاله مستقلی در این باره نوشته نشده است البته در لابلای بررسی میراث تفسیری آن حضرت (ع)و برخی از آثار قرآن پژوهان به برخی از این روایات اشاره شده است.

* روشمندبودن اين تحقيق مبتني برمؤلفه هاي زير است :

الف) جامع نگري : جستجوي ميداني درمنابع حديثي عامه وخاصه نشان مي دهد كه تعداد روايات رسیده ازآن حضرت که مرتبط با علوم قرآنی و تاریخ قرآن باشد، اندک است.

ب)جستجو در منابع مختلف و استخراج مشهور ترین ومهم ترین آراء در موضوع مورد بحث و تطبیق آن با روایت امام رضا(ع)

ج. روش تحقیق: شیوه تحقیق، توصیفی است نگارنده ضمن گزارش روایات رضوی به تحلیل محتوا وارائه آراء دیگران پرداخته است.

د. هدف تحقیق: هدف از طرح این موضوع،ضمن گرد آوری روایات مرتبط با برخی مباحث علوم قرآنی به منظور تأیید یا نقد آراء دیگران ،تبیین و ترویج این میراث ارزشمند است.

1. درآمد:

1-1. نگاهی اجمالی به فضای حاکم بر دوران امام رضا(ع):

امام علی بن موسی ملقب به الرضا با کنیه ابوالحسن یا ابوالحسن الثانی هشتمین پیشوای شیعیان در سال 148 ق[[2]](#footnote-3)- یعنی سال شهادت امام صادق(ع)- در شهر مدینه، چشم به جهان گشود و در 183ق پس از شهادت امام کاظم(ع)به امامت رسید. دوران امامت ایشان همراه با حوادث مهمی بود که از جمله می توان به نابودی برمکیان در188ق که با شیعیان دشمنی داشتند وعرصه را بر امام (ع)و پدرشان تنگ کرده بودند، مرگ هارون الرشید در 193ق وجنگهای طولانی میان فرزندان او، فتنه واقفیه، انتقال حکومت از بغداد به خراسان وهجرت امام(ع) به آن جا ، توسعه علوم براثر ترجمه آثار غیر عربی و گسترش مباحثات فقهی ، کلامی، عقلی و... اشاره کرد.

1. امام رضا(ع) وخلفای بنی عباس

بیشتر دوران امامت امام رضا(ع) هم زمان با خلافت هارون بوده است اما برخورد تندو نامناسبی با آن حضرت گزارش نشده وامام به آسانی با شیعیان ارتباط داشته وبا نشر علوم و معارف و تبیین آن و پاسخگویی به پرسشها، جامعه اسلامی را هدایت می کردند. (مجلسی ،ج49،ص100)به خصوص پس از دوره برمکیان زمینه فعالیت برای امام فراهم شده بود.آن حضرت(ع) با اطمینان اعلام کرده بود که از ناحیه هارون به ایشان آسیبی نخواهد رسید.(ابن شهر آشوب، ج4ص339)دوران امین نیز به آرامی برای شیعیان به اتمام رسید، درگیری های خانوادگی طولانی امین با مأمون باعث شده بود که فرصتی برای تعرض به امام(ع) و شیعیان پیدا نشود. (جعفریان،427) تا این که بالاخره در 198 هجری، بیعت عمومی با مأمون صورت گرفت ومرکز خلافت از بغداد به مرو منتقل شدو امام رضا(ع) در سال 201به مرکز خلافت احضار ومامون منصب ولایتعهدی خود را به اجبار برآن حضرت تحمیل نمود.[[3]](#footnote-4)

ج. فعالیت های فرهنگی امام رضا(ع):

حجم زیادی از فعالیت های فرهنگی ،علمی آن حضرت در تبیین معارف دینی در قالب مناظره و مباحثه های ایشان با پیروان ادیان و مذاهب دیگر و پرسش و پاسخ در موضوعات کلامی و اعتقادی و پاسخ به نامه های شیعیان در باره وظایف آنان در مقابل پیشامد های روزگار است(معارف،316،جعفریان،ص429) علاوه بر این روایات بسیاری در موضوعات فقه، اصول، عقاید، اخلاق و تفسیرقرآن از آن حضرت (ع) به یادگار مانده است،گسترش مباحثات کلامی و فقهی، آغاز جامع نگاری احادیث شیعه و پرورش گروه سوم اصحاب اجماع از مهم ترین حوادث فرهنگی این دوره به شمار می آید.(همان)

2. روایات قرآنی از امام رضا(ع)

روایات تفسیری امام رضا (ع) که در زمینه های مختلف به خصوص جنبه های توحیدی واعتقادی...باتوجه به فهم مخاطبان و نیاز زمان صادر شده و معمولا در پاسخ به سوال یا شبهاتی بوده که مخاطب برای اثبات ادعای خود به آیات قرآن استشهاد کرده و آن حضرت(ع) نیز به تفسیر صحیح وتبیین تفکر ناب اسلامی پرداخته، در میان تفاسیر مأثور و آثار تاریخی پراکنده و قابل پیگیری است.تأکید امام (ع) بر توجه به اسباب نزول قابل توجه است از جمله شیخ صدوق نقل می کند که:امام رضا(ع)هر سه روز قرآن را ختم می کرد و می فرمود:اگر بخواهم در کمتر از آن هم می توانم قرآن را ختم کنم ولی از هیچ آیه ای نمی گذرم جز آن که در باره این که چرا نازل شده و در چه زمانی، فکر کنم.(صدوق،ج2ص180،نیز بنگرید به حر عاملی،،ج6،ص217) نمونه دیگراین که امام (ع)در خطبه ای که در مسیر ورود به طوس در پاسخ به سوالات مردم در باره امامت بیان کرده اند، در ضمن آن درباره نزول آیه سوم سوره مائده «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الإسلام دینا» می فرمایند:« وانزل حجه الوداع و هی آخرعمره صلی الله علیه و آله» (کلینی،کتاب الحجه،ج1ص255-262)که با برخی آراء تفسیری مبنی بر نزول این آیات در زمان های دیگر منافات دارد.(بنگرید به:طباطبایی،المیزان،ج5) بخشی ازروایات موجود شامل بیان مصادیق و تطبیق آیات است از جمله این که برخی از آیات بر اهل بیت(ع) تطبیق شده اند که در اصطلاح به آن بیان بطون قرآنی گفته می شود.یا در باره کیفیت نزول است نظیر آن چه در باره نزول یکپارچه سوره انعام از امام (ع) نقل شده است.(قمی،ج2،ص395)

نویسنده پر تلاش آقای عطاردی در کتاب گرانقدر خود مسند امام رضا(ع) درباب «کتاب التفسیر» 16 روایت در باره فضل قرآن و 193 روایت در بخش تفسیر آیات مختلف به ترتیب سورها جمع کرده اند؛ به طور قطع این تمام روایات تفسیری ایشان نیست به عنوان نمونه نگارنده این سطور با یک بررسی اجمالی در کتاب البرهان مرحوم بحرانی فقط تا سوره برائت، 154 روایت از امام رضا(ع) یافته است در تفسیر نور الثقلین هم تقریبا 600 حدیث از امام رضا(ع) در تفسیر آیات آمده است.که پالایش این روایات با بررسی های دقیق محتوایی وسندی به کمک مبانی فهم و نقد حدیث توسط نخبگان این فن پیشنهاد می شود.

1-2. اصطلاح علوم قرآنی

علوم قرآنی به دانش هایی که موضوع آن قرآن کریم است گفته می شود. زرقانی هر علمی راکه در خدمت قرآن بوده و یا مستند به آن باشد را علوم قرآنی دانسته است.(زرقانی،ج1،ص27) روی هم رفته این علم به مباحث کلی شناخت قرآن می پردازد و پرسش های متعلق به قرآن را پاسخ می دهد.(زرقانی، همان، نیزنک.به: عتر،ص7)

امروزه اصطلاح علوم قرآن به مجموعه مسائل وگزاره هایی گفته می شود که در باره قرآن یا یکی از موضوعات منتسب به قرآن سخن بگوید.(عتر،ص8)

پیدایش اصطلاح تخصصی علوم قرآنی را مربوط به قرن های 5و 6 دانسته اند.(همان،نیز بنگرید به:علوم القرآن عند المفسرین،ج1ص10) گرچه این اصطلاح در عنوان کتابی متعلق به نیمه دوم قرن سوم یا ابتدای قرن چهارم به کار رفته است؛ ابن ندیم به ابن مرزبان (م.309ق)کتابی مفصل در 27 جزء با نام «الحاوی فی علوم القرآن» نسبت می دهد.(الفهرست، ص149) که البته اطلاعاتی از محتوای این کتاب در اختیارنیست، جز این که ابن مرزبان خود ادیبی فرهیخته و مترجم بیش از 50 کتاب از فارسی به عربی بوده و استاد ابن الأنباری صاحب «عجایب علوم القرآن» بوده است، ابن الأنباری در این کتاب به موضوعاتی چون فضائل القرآن،نزول قرآن بر7حرف ،مصاحف، تعداد سوره ها و آیات و کلمات پرداخته است.(صبحی صالح،ص122)

این مقاله به بیان رویکرد امام رضا(ع) در باره برخی مسائل مرتبط با قرآن که امروزه بعضی از آن ها در حوزه تاریخ قرآن و برخی دیگر در حوزه علوم قرآنی مورد بحث قرار می گیرند ،پرداخته است:

1. . بعثت و زمان نزول قرآن

**1-3. تبیین مسئله:**

در حالی که مطابق آیات قرآنی شب قدر در ماه مبارک رمضان است و ماه رمضان ماه نزول قرآن معرفی شده است.(قدر/1،دخان/3، بقره/185)اما بر اساس داده های تاریخی و روایات زیادی، مشهور است که اولین آیات قرآن هنگام بعثت رسول اکرم(ص)در چهل سالگی نازل شده است و پس از آن طی بیست و اندی سال این نزول شب یا روز،رمضان و غیر رمضان ادامه داشته است.مسلمانان خود شاهد این نزول تدریجی بوده اند و خداوند می فرماید:«قرآنا فرقناه لتقرأه علی مکث و نزّلناه تنزیلا»(أسراء/106،نیز بنگرید به:فرقان/32،33)

هم چنین در روایات شیعی معروف است که مبعث رسول اکرم(ص) را هم زمان با نزول آیاتی از سوره علق در ماه رجب می دانند.حال چگونه نزول قرآن در شبی از شبهای قدر در ماه رمضان با بعثت نبی اکرم(ص)در ماه رجب و با نزول تدریجی آیات در بیست و چند سال قابل تطبیق است؟

* 1. **نظریه های مختلف در باره نزول:**

در این باره حداقل سه نظر مطرح شده است که به طور خلاصه به این شرح است:

**نظریه اول:**

برخی به دو نزول دفعی و تدریجی برای قرآن اشاره می کنند؛ منظور از نزول تدریجی این است که در طول حیات نبوت به تدریج و به مناسبت های مختلف آیات قرآنی بر نبی اکرم(ص) نازل شده است ،این نزول تدریجی چنان که پیش از این گفته شد به شهادت تاریخ نزول و آیات قرآنی تایید می شود، قرآن کریم تصریح می کند :

«وقال الذی کفروا لولا نزل علیه القرآن جمله واحده کذلک لنثبت به فؤادک و رتلناه ترتیلا» (فرقان/32) این نظر علاوه بر نزول تدریجی نزول دیگری را مطرح کرده به نام نزول دفعی،به این معنا که قرآن قبل از شروع نزول تدریجی در شب قدر به صورت یک جا و دفعی نازل شده است. در این میان برخی گفته اند همه قرآن به صورت دفعی و یک جا در شب قدر بر قلب پیامبر نازل شده و طی 23 سال و بتدریج در قالب آیات و سوره ها نازل شده است. برخی نیز برآنند که همه قرآن به صورت دفعی در شب قدر بر بیت المعمور[[4]](#footnote-5) فرود آمده و سپس به تدریج بر پیامبر اکرم(ص)نازل شده است.

شیخ صدوق نزول بر بیت المعمور را به عنوان اعتقاد شیعه بیان کرده است.(اعتقادات،باب31) اما شیخ مفید آن را مبتنی بر خبر واحد ی که موجب علم و یقین نیست می داند،و می نویسد:«این حرف به مذهب مشبهه برازنده تر است زیرا آن ها گمان می کنند خداوند در ازل به قرآن تکلم کرده واز آینده به لفظ ماضی خبر داده و این را اهل توحید رد کرده اند.»(تصحیح اعتقادات امامیه،ص123-124)

برخی دیگر از قائلین این نظر می گویند: نزول دفعی برقلب پیامبر(ص) در شب قدر صورت گرفته و آغاز نزول تدریجی در شب مبعث است به این معنا که همه قرآن در شب قدر بر قلب پیامبر اکرم(ص) نازل شده ولی مامور به ابلاغ آن به مردم نبودند.

علامه طباطبایی می نویسد:« پس نزول در ماه رمضان و شب قدر یکباره و جملگی بوده نه تدریجی... وجملگی بودنش یا از این نظر است که آیات آن روی هم رفته و به طور کلی یک چیز فرض شده مثل آب باران که دانه دانه است ولی مجموع یکی است و یا از این نظر است که قرآن دارای حقیقتی است غیر از آن چه به فهم عادی در آید و خیال می کنیم که آیاتش پراکنده و تدریجی است، ولی در حقیقت واحد بوده و نزولش یکباره و جملگی است...» (المیزان، ذیل آیه 183 تا185 سوره بقره،و آیه 115 سوره طه)

از مستندات این نظر تفاوت دو واژه انزال و تنزیل است که انزال فرود چیزی یکجا و یکباره و عام است و تنزیل فرود تدریجی،مرحوم رامیار به تفصیل در باره این دو واژه بحث می کند و می نویسد:«تنزیل در مورد فرود یکباره و یک جا، هم در قرآن (آل عمران/153) و هم در متون عربی و لغت به کار رفته و منابع لغوی این تفاوت را تأیید نمی کنند.»(تاریخ قرآن،ص108)؛ به علاوه در باره این مرحله نزولی از پیامبراکرم(ص) چیزی وارد نشده و شاهدمحکمی بر این ادعا وجود ندارد.و روایاتی که این نظر را تایید می کنند به صحابه می رسند که بازگویی امور غیبی از آنان پذیرفته نمی شود. آیات قرآنی هم چنان چه پیش از این بیان شد همه از پراکندگی نزول سخن به میان آورده اند وویژگی قرآن کریم که به دنبال حوادثی که رخ می داد یا در پاسخ به پرسشی ،آیاتی نازل می شده با این نظر مخالف است.این پرسش نیز قابل طرح است که فایده چنین نزولی چیست؟ قرآن کریم آن گاه که از نزول قرآن در ماه رمضان سخن می گوید می فرماید:« شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِی أُنْزِلَ فِیهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَینَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ ...»(بقرة/185) به راستی نزول بر بیت المعمور یا قلب پیامبر(ص)چه جنبه هدایتی برای مردم داشته است؟

**نظریه دوم:**

**تفکیک میان زمان بعثت و آغاز نزول قرآن:**

کسانی از جمله شیخ مفید وابن شهرآشوب برآنند که مراد از نزول قرآن در شب قدر، نزول آیات نخستین سوره علق است و زمان بعثت با نزول اولین آیات سوره علق هم زبان نبوده است.

مرحوم معرفت می نویسد: «روز بعثت رسول اکرم(ص) بیست وهفتم رجب است اما آغاز نزول قرآن به عنوان کتاب آسمانی در شب قدر از ماه رمضان ، سه سال بعد از مبعث بوده است.» » (التمهید، ج1، ص76-78) البته ایشان بر آن است که سوره علق هم زمان با بعثت نیز نازل شده است.(همان،ص96-95) اما به درستی معلوم نیست چگونه این تکرار نزول را توجیه می کند. بنابراین نظر که البته با روایاتی که مبعث را در رجب یا ربیع الاول دانسته سازگار است در شب مبعث نبوت بر آن حضرت(ص) ابلاغ شده است. این روایات بر نزول قرآن در هنگام مبعث تاکیدی ندارند وفقط تصریح دارند که رسولخدا (ص) در سن چهل سالگی پیامبر شد و بعدا نزول قرآن آغازگردید. (مجلسی،ج18، ص189-204، ج94، ص51-35-31)

نظریه سوم:

**هم زمانی بعثت و آغاز نزول قرآن**

این نظر با روایتی که از امام رضا(ع) نقل شده است، تأیید می شود:

فضل بن شاذان- م.260ق- می گوید: از امام رضا(ع) شنیدم که فرمود: ماه رمضان ماهی است که خدای تعالی در آن قرآن را نازل کرد تا راهنمایی برای مردم و دلایل روشنی از هدایت و تمیزحق از باطل باشد در آن ماه محمد(ص)پیامبر شدو آن شب قدر است که از هزار ماه بهتر است.(حویزی،ج1ص164) هم چنین از امام رضا(ع)در باره اولین آیات نازل شده آمده است که:«اول سوره نزلت بسم الله الرحمن الرحیم إقرأ باسم ربک... »(عیون الاخبار،ج2،ص27،عطاردی،ص308،ح 7)

این روایت بر اساس قراین موجود و آیات قرآن تایید می شود از جمله توجه به روایاتی که نزول آیات نخستین سوره علق را درغار حرا گزارش می کنند،(ابن هشام،ج1، ص205 به بعد باب دوازدهم، مجلسی،ج6، ص447) هم چنین با روایاتی که صراحت دارند زمان نزول نخستین آیات قرآن در ماه رمضان بوده ؛ سازگار است.(واحدی،ص6، بخاری، باب1،کتاب التفسیر، زرقانی،ج1، ص86) به خصوص این که تحنث های پیامبر اکرم (ص)در ماه رمضان بوده و در یکی از این ایام با نزول آیات اولیه سوره قدر به نبوت برگزیده شدند. گزارش های تاریخی نیز حاکی از آن است که پس از بعثت، پیامبراکرم(ص) به جای تحنث در غار، دهه اول یا وسط یا آخر ماه مبارک رمضان در مسجد اعتکاف می کردند.(حلبی، ج1، ص271، بلاذری، ج1ص84-105) در تاریخ عرب این انزوای یک ماهه را حاکی از احترام به ماه رمضان دانسته اند. (جوادعلی، ص130)ودر باره ورقه بن نوفل و ابوامیه بن مغیره نیز این انزوا در ماه رمضان گزارش شده است.(همان) بنابراین چون نزول اولین آیات سوره علق را در غار حرا دانسته اند و پیامبر(ص) هم در ماه رمضان برای عبادت به غارحراءمی رفت، پس بعثت و آغاز نزول قرآن هم زمان در ماه مبارک رمضان بوده است ومنظور از نزول قرآن در این روز شروع نزول است.

4. محکم ومتشابه

محکم و متشابه دو اصطلاح قرآنی هستند که خداوند متعال در آیه هفتم سوره آل عمران به صراحت آیات قرآن را دو دسته تقسیم کرده است:

هُوَ الَّذِی أَنْزَلَ عَلَیكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آیاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ زَیغٌ فَیتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِیلِهِ وَمَا یعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ یقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا یذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (آل عمران/7)

قسم اول آیاتی که به محکم اطلاق شده و ام الکتاب به شمار آمده اند و بقیه متشابه هستند. از این آیات فهمیده می شود که فتنه گران با بهره گیری نادرست از تأویل متشابهات باعث گمراهی می شوند. محکم در لغت اسم مفعول از باب افعال است. ابن فارس می نویسد:«حکم یک اصل دارد و آن منع است.»(معجم مقائیس اللغه،ج2ص91) و ابن منظور نوشته است:«کلام را وقتی محکم گویند که خودش بدون نیاز به غیر گویا و روشن باشد.(لسان العرب،ج12،ص141) متشابه نیز از ریشه «شبه» به معنای همانندی و شباهت است به گونه ای که تشخیص مشکل باشد.ابن منظور می نویسد:«به اموری متشابه می گویند که متماثل و نظیر یکدیگرند ،به امور مشکل هم متشابه گفته شده است.»(همان،ج13،ص503) دانشمندان از دیر باز در باره محکم و متشابه و مصادیق آن دو در قرآن پرسش هایی را مطرح و به پاسخ های دیگران توجه کرده اند. در این میان آراء متفاوتی در باره مصادیق محکم و متشابه، پدید آمده است. علامه طباطبایی 16 نظر درتعریف محکم و متشابه آورده و به نقد هر یک پرداخته است، سیوطی نیز در الإتقان این آراء را گرد آوری کرده است، بیشتر این نظریات بر مبنای روایاتی است که به شکل موقوف یا مقطوع از صحابه و تابعین رسیده است: از جمله این که:

آیات متشابه حروف مقطعه اوایل برخی سور هستند ؛یا آیات متشابه عبارت از منسوخ هاست؛ یا متشابه به آیاتی اطلاق می شود که الفاظ مجمل داشته باشند؛ یا آیات محکم آیات الأحکامند و سایر آیات متشابه هستند؛ محکم به آیاتی گفته شده که با عقل قابل درک است و متشابه آیاتی هستند که با عقل درک نمی شوند مانند شمار رکعات نماز[[5]](#footnote-6)؛ محکم با تفسیر و تأویل معلوم می شوند و متشابه آن است که خداوند علم آن را به خود اختصاص داده است مانند خروج یأجوج و مأجوج و دجال وحروف مقطعه [[6]](#footnote-7)و. .. بسیاری از این روایات با یکدیگر متعارضند مانند این که برخی حروف مقطعه را محکم و بقیه را متشابه و گروهی حروف مقطعه را متشابه و سایر آیات را محکم دانسته اند و برخی دیگر حروف مقطعه را نه محکم و نه متشابه می دانند. (طباطبایی، ج3، ص33 ،سیوطی، ج2، ص3)

علامه طباطبایی پس از گزارش همه نظرها در این باره می نویسد:«آیات محکم بیانگر یک مدلول و معنا و آیات متشابه آیاتی هستند که میان چند معنا مشتبه است و با صراحت می دانیم که باید تنها یکی از آن معانی منظور باشد و برای یافتن آن معنا باید به قرآن و آیات محکم ارجاع داده شود.(المیزان، ج3ص40) علامه إحکام و تشابه را صفت لفظ نمی داند زیرا غرابت لفظ و امثال آن با مراجعه به کتب لغت و آثار متشابه آن رفع می شود و پیروی از الفاظ غریب بدون مراجعه به منابع لغوی با ذوق هیچ اهل زبانی سازگار نیست و همه اهل زبان او را تخطئه خواهند کرد، بنابراین نمی تواند منشأ فتنه باشد....علامه در ادامه می نویسد:«آیات متشابه هم دلالت برمعنا دارند ولی معنایی که باعث تردید است و با آیات دیگر سازگار نیست و این معنا به گونه ای است که به فهم مردم ساده اندیش ،مأنوس است و فورا آن را تصدیق و از آن پیروی می کنند و از این رو منشأ بدعت ها و انحراف ها و مبدأ فتنه هاو... می شود.(همان،صص41-42-80)

مرحوم معرفت نیز ضمن تایید نظر علامه طباطبایی رابطه متشابه و ابهام را از نوع عموم و خصوص من وجه می داند.(التمهید،ج3، ص9012)

* **دیدگاه امام رضا(ع)**

شیخ صدوق عن ابیه:حدثنا علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابی حیون مولی الرضا (ع) قال: من رد متشابه القرآن إلی محکمه هدی إلی صراط مستقیم...إنّ فی اخبارنا متشابها کمتشابه القرآن و محکما کمحکم القرآن فردّوا متشابهها إلی محکمها و لا تتبعوا متشابهها دون محکمها فتضلّوا (عیون اخبارالرضا،ج1، ص261)[[7]](#footnote-8) «هر کس متشابهات قرآن را به محکمات باز گرداند در مسیر «صراط مستقیم» هدایت می شود در اخبار ما نیز متشابهاتی همانند متشابهات قرآن وجود دارد پس.... »

ازنکات مهمی که در این روایت قابل تأمل است، قابلیت پذیرش بیش از یک معنا در آیات متشابه است که موجب سوء استفاده و انحراف و گمراهی و برداشت نادرست است و تشخیص معنای درست از بین معانی احتمالی با عرضه بر محکمات قابل دستیابی است. زیرا آن ها ام الکتابند بنابراین آیات متشابه هم قابل تفسیر و دست یافتنی هستند، نکته دیگر این که روایت به شیوه ای عام هرکس را که از طریق محکمات که روشنگرند به معنای متشابهات دست یابد، هدایت شده نامیده است بنابر این دستیابی به مراد متشابهات مخصوص افرادی خاص نیست. و چنین نیست که عقول بشری از درک معنا و مراد متشابهات عاجز باشند . در یکی از مناظراتی که شیخ صدوق در معانی الأخبار آورده امام (ع) خطاب به علی بن جهم از او می خواهد که آیات را با رأی و نظر شخصی خود تفسیر نکند،زیرا به تأویل آیات،جز خدا و راسخان در علم آگاهی ندارند.(صدوق،ج1،ص390) بنابراین رد متشابه به محکم نیاز به مقدماتی از جمله رسوخ در علم و ایمان محکم دارد .

1. «جاودانگي قرآن» و جهاني بودن آن

جهاني بودن دين اسلام به اين معناست كه تعاليم ودستورات قرآن به طبقه، گروه، جامعه، نژاد و زمان وموقعيت خاصي اختصاص نداشته باشد، خطاب آيات كريمه با هدف هدايت به همة مردم و در همة طبقات و زمان ها است بنابراين قرآن فرازماني و فرا مكاني اسـت. و هنـگامي كـه گفـته مـي شود قرآن كريم جاودانه است منظور فقط جنبة فرازماني‌آن نيست بلكه با توجه به آيات قرآن و ادلة ديگر ـ كه ذكرمي‌كنيم ـ دانسته مي‌شود كه مفهومي گسترده دارد و نه تنها زمان شمولي بلكه توجه به فرد فرد انسان را در بردارد. و همة انسان‌ها در تمام زمان‌ها و مكان‌ها مخاطب هدايت گري قرآن هستند.

خدايي كه انسان راآفريده، به سعادت وشقاوت وآغاز و انجام او، آگاهي كامل دارد ،براي رسـيدن انسان به رستگاري كه هدف آفرينش او است، راه روشني را در نظر مي‌گيرد، كه هر زمان براساس نياز ، بخشي از آن را به وسيلة وحي و كتاب هاي آسماني به پيامبران ، فرستاده و انسانها با انديشه و استفاده از راهنمايي انبياء و اوصياء، عناصري از آن را كشف، و به آن ها عمل كرده‌اند در نتيجه به صورت آيين عمومي در آمده است. در قرآن كريم آياتي است كه دلالت بر عمومي بودن و جهاني بودن دعوت اسلام و شريعت دارد :

«ما أرسلناك إلاّ رحمه للعالميــن» ( انبياء/ 107،قلم/ 52،تكوير/ 27 ،سباء/28،اعراف/158 فرقان /1 )

و در آيه:

«قل أيّ شيءٍ أكبر شهادهً قل الله شهيد‏ٌ بيني و بينكم و اُوحي إليّ هذا القرآن لأنذركم به و من بلغ»( انعام /19 )

خداوندمتعال هدف نزول قرآن را انذار و برحذرداشتن مخاطبان تا روز قيامت دانسته است.

علامه طباطبايي نوشته است :

«اسلام گذشته از يك رشته معارف اصلي مربوط به مبدأ و معاد و يك رشته ديگر اصول اخلاقي، يك سلسله قوانين و مقررات در مورد اعمال انساني هم دارد كه بدون استثناء بـه همة جهات جامعه رسيدگي نموده، هر انسان مكلفي را اعم از سياه و سفيد و عرب و عجم و مرد و زن، در هر محيطي و با هر شرايطي موظف مي‌كند كه اعمال فردي و اجتماعي خود را با آن‌ها تطبيق كند از آن دستورها كه مجموعه آن ها به نام شريعت ناميده مي‌شود پيروي نمايد.» (مجموعه مقالات و پرسش ها و پاسخ ها، مقاله اجتهاد و تقليد در اسلام و شيعه ، ص 200 )

«معجزه بودن قرآن در اين است كه متني ثابت معنايي هميشه متغير را در خود جاي داده است، متني كه در بردارنده حقيقت مطلق است و در عين حال، فهم نسبي و عصري بشر را بر مي تابد. » (شحرور، ص187)

از دلايل ديگر جاودانگي قرآن اين است كه اسلام دين فطرت است و ميان دستورات اسلام و خلقت انسانها و فطرتشان، هيچ گونه اختلاف و تضّادي وجود ندارد،

«فأقم وجهك للدّين حنيفاً فطره الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم » (روم /30)

شريعت اسلام با فطرت انسان هماهنگ است، و چون فطرت امري ثابت و تغيير ناپذير است پـس فطرت ثـابت برای رشد و تعالي و به كمال رسیدن از يك سو نياز به شریعت ثابت و جاودانه دارد و از سـوي ديگر به آييني جامع كه پاسخ گوي تمام احتیاجات او در همه زمان ها باشد نیاز دارد. .(مجموعه مقالات زمان و مكان،رمز جماعت و جاودانگی شریعت اسلام، شماره 10 ص23.نیز بنگرید امام خمینی، شرح چهل حديث، ص 180ـ 181، جوادی آملی، ‌تسنيم ، ج 1 ص 31 )

در مسئله خاتميت اين بحث مطرح مي‌شود كه چون اسلام دين جامع معرفی شده خداوند متعال دانا به همه تحولات و نیازهاست آينده را ملاحظه كرده ،تعالیم و دستورات را به گونه‌اي ارائه داده است كه بتواند براي هميشه پاسخگوی مقتضیات و نیازها باشد و در همه شئون انسان جوابگو باشد باز بودن باب اجتهاد كه از مهم ترين وظايف دانشمندان اسلامي است به دليل جاودانگي اسلام مي‌باشد، به عقيـده اقبال لاهوري اجتهاد عبارت است از جمع ميان اصول ابدي شريـعت و رخ داد‌هـاي متـغير زندگي انسـان كـه از هيـچ كـدام از ايـن دو نمي‌توان دست بـرداشت، دست شستن از اصول حاكم بردين، منجر به حيرت و سـرگـرداني مـي شود و پـشت پـازدن بـه تحـّولات نيـز مسلـمانـان را بـه وضع غمباري كـه در قـرون گـذشته دچـار آن بـوده‌انـد گـرفتـار مي كـند پس نه مي توان از اصول ابـدي شـريـعت دسـت كشيـد و نه بايد تحولات را نفي كرد و بايد ميان اين‌ها جمع كرد.(مجتهد شبستري ، ص221)

از دلايـل ‌ديـگر جاودانگی ‌قـرآن، ختـم ‌نـبوت است كـه از ضـروريـات ديـن‌ اسلام شمرده مـي‌شـود و يكـي ‌از بـاورهـاي بنيـادي ‌همـه مسلـمانـان‌ جـهان ازصـدر اسـلام تا امروز بوده است، لازمه خاتميت اسلام،جـاودانگي آن و قـرآن كـريم است.

صـريح تـرين آيـه‌اي كـه ختم نبوت را به طور آشكار و بدون ابهام اعلام كرده، این آيه است:«ماكان محمدٌ أبا أحدٍمن رجالكم ولكن رسول الله وخاتم النبيين وكان الله بكل شيئ ‌عليماً») احزاب /40 )

اگر بنا باشد شريعت مورد پذيرش‌حق« إنَّ الدّين، عندالله الاسلام »( آل عمران / 109 )به عنوان دين خاتم ،دوام نداشته باشد، زماني اين بشر نيازمند هدايت، از مسير هدایت وا مي‌ماند و يا منحرف مي‌شود و اين باغرض از خلقت نمي سازد. [[8]](#footnote-9) پس دين اسلام از جامعیت و كمالی برخوردار است كه نيازي به تجديد نبوت و تجديد شريعت نبوده است و جامعيت و كمال دين از لوازم قطعي خالقیت محسوب مي شودوخاتميت مستلزم پيش‌بيني‌ساز وكارهاي ابدي نيز مي‌باشد، منطقي نيست كه ديني ادعاي خاتميت وابديت كند اما در درون خود هيچ ابزار و وسيله‌اي را براي سير و حرکت مستمر خود در بستر زمان پیش بيني نکرده باشد.

روايت هاي فراواني اسلام و احکام اسلام را جاوید و همیشگی معرفي مي كند:

اميرالمؤمنين علي (ع) مي فرمايد:

«هو حبل الله المتين و عروته الوثقي و طريقته المثلي المؤدي الي الجنه من النار لا يخلق من الازمنه و لايعث علي الالسنه لانه لم يجعل لزمان ، بل جعل دليل البرهان و حجته علي كل لسان» (مجلسي، ج89 ص14)

«قرآن ريسمان مستحكم خدا وچنگآويز مطمئن و راه نمونه اوست قرآن انسان رابه سوي بهشت مي‌برد و ازآتش نجات مي‌دهد،قرآن خلق شده اززمان ها نيست دستاويز خداوند او را براي زمان وعصرخاص نازل نكرده است دليل وبرهان وحجت‌برهرزماني است.

و امام محمد باقر (ع) فرمود:

«قال جدي رسول الله(ص):أيّها النّاس حلالي حلال الي يوم القيامه وحرامي حرام إلي يوم القيامه (مجلسي، ج2 ص260، ح17،حر عاملي ، ج 18كتاب القضاء، ابواب صفات القاضي باب 12، ص 124،ح 47، نيز بنگريد به صدوق،ج1، ص58، ح81، 1412، ج2 ص260، ح17 حر عاملی، ص 557 ح4)

امام رضا (ع) در تبیین این موضوع می فرمایند: «وشريعه محمد(ص) لاتنسخ إلي يوم القيامه ولانبيٌّ بعده إلي يوم القيامه...» (حر عاملی، ص 557 ح 4.)

مردي از امام رضا (ع) سئوال كرد: قرآن چگونه است كه هر چه خوانده مي‌شود و منتشر مي‌شود،تازه‌تـرمي‌شود؟ امام(ع) فـرمود: «زيرا خداوند آن را در هر زماني تازه و نو و نزد هر ملتي تا روز قيامت مورد استفاده قرار داده است: «لأنّ الله تبارك و تعالي لم يجعله لزمان دون زمان ولالناس دون ناس، فهو في‌كلّ‌ زمان جديد وعند كلّ قوم غضّ إلي يوم القيامه»:خداوند قرآن را برای زمان و مردمان خاص نازل نفرموده، از این جهت در هر زمانی جدید است و تا روز قیامت نزد هر قومی تازه و شکوفاست.(مجلسی،ج92،ص15، عطاردی،ص309ح12)) آري صاحب قرآن خدايحكيمي است كه بر همه زمان‌ها اشراف دارد و سخنش در دايره تنگ حوادث جزئي محدود نمي ماند. شیخ صدوق با سند نقل می کند که روزى امام رضا(ع) از قرآن ياد كرد و شيوه‌ي استدلال و چگونگى بيان آيات واعجاز در نظم قرآن  را برشمرد وفرمود:

«قرآن ريسمان محكم خداوند و رشته استواراو و راه برتری  است كه به بهشت  راهنمایی می کند و از دوزخ رهايى مي‌بخشـد....و از آن جا كه براى زمانى خاص پديد نيامده است، درگذر روزگاران كهنــه نمي‌شود و به خواندنِ فراوان، اعتبار خود را از دست نمي‌دهد، بلكه دلیلی روشن وحجّت  همه نسل ها

 است... از پیش رو و پشت سر، خط بطلان بر آن کشیده نمی شود. کتابی است که از سوی خداوند حکیم فرود آمده است».. (عيون الاخبار2:69، عطاردی،ص309،ح13) شیخ صدوق هم چنین روایت دیگری را از امام (ع) نقل می کند که مردی در باره قرآن از ایشان سوال کرد؟ امام فرمودند: «کلام الله لا تتجاوزوه و لا تطلبوا الهدی فی غیره فتضلّوا» (همان)

تحریف ناپذیری قرآن

بسیاری از دانشمندان یکی از مهم ترین دلایل تحریف ناپذیری قرآن را جاودانگی آن می دانند و می گویند: با توجه به اینکه اسلام آخرین دین است، اگر تحریف شود، پیامبر دیگری که راه درست را به مردم نشان دهد نخواهد آمد و مردم گمراه خواهند شد. از حکیم محال است آنچه را که برای هدایت بشر در همه زمانهاو مکان ها، فرستاده ازتحریف حفظ نکند چون عدم حفظ الهی یعنی تحریف و این نقض غرض الهی است.   
«لا یخلق من الأرمنه و لا یغث علی الألسنه لأنه لم یجعل لزمان دون رمان بل جعل دلیل البرهان و حجه علی کل إنسان«لا یأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه» (فصلت/42)(صدوق،ج2،ص130،بحرانی،ج1ص65)وبا توجه به کلام امام رضا (ع) ، قرآن چون کلام خداوند است، کتاب زنده ای است که متعلق به زمان خاصی نبوده، بلکه برای همه انسانها و همه اعصار است . کلام حقی است که باطل نمی گردد.و دچار تغییرو تحریف نمی گردد. (همان)   
در واقع رمز جاودانگی قرآن این است که زوال نمی پذیرد و پاسخگوی مشکلات بشری است، امام رضا(ع) می فرمایند: ریسمانی استوار است که تمسک به آن باعث هدایت انسان به مقاصد الهی ورهایی از آتش دوزخ می شود. (صدوق،ج2،ص130، عطاردی،ص309). چگونه ممکن است چیزی که دچار تحریف شده است باعث نجات و رهایی از گمراهی و آتش جهنم باشد و امام(ع) پیروی از آن و تمسک به آموزه ها و داده های آن را تنها راه سعادت و هدایت، معرفی نمایند.

به امید آن که با تأسی جستن به قرآن و سفارش های ائمه اطهار(ع) راه هدایت را بیابیم و بر آن استوار بمانیم.

\*\*\*

نتایج:

1. با استمداد از کلام رضوی متشابهات قرآنی قابل درک و بیان هستند به شرطی که به محکمات ارجاع داده شوند بنابراین بسیاری از آراء دانشمندان در باره مصادیق متشابه و محکم،نادرست است.
2. امام (ع) رد متشابه به محکم را با رای شخصی و بدون مقدمات لازم نهی می کنند.
3. در موضوع نزول قرآن و تطبیق آن با مبعث رسول خدا(ع) با توجه به روایات رضوی(ع) نزول قرآن و بعثت در ماه مبارک رمضان و هم زمان بوده است.
4. با استمداد از روایات امام رضا(ع)جاودانگی و جامعیت قرآن تأیید و این نظر که خطابات قرآنی محدود به زمان نزول آیات است رد می شود.
5. با توجه به توصیف امام رضا(ع) از قرآن به عنوان کلام حقی که باطل نمی شود و ریسمان استواری که باعث هدایت است ،تحریف ناپذیری قرآن از دید گاه امام رضا(ع) تایید می شود.

فهرست منابع:

الإتقان فی علوم القرآن،سیوطی،جلال الدین،قم،منشورات الرضی،

اخبار و آثارامام رضا، عطاردی قوچانی،عزیزالله،

اسباب النزول،واحدی نیشابوری،علی بن احمد،تحقیق عصام بن عبدالحسین الحمیدان،بیروت مؤسسه الریان،1411ق

اصول التفسیر و قواعده، عک،خالد بن صالح،بیروت،دارالنفایس،1406

الإعتقادات،شیخ صدوق،تحقیق عصام عبدالسید،بی تا

بحار الأنوار،مجلسی،محمد باقر،بیروت،مؤسسه الوفاء،1403ق

البرهان فی تفسیرالقرآن،بحرانی،سیدهاشم حسینی،تحقیق قسم الدراسات الإسلامیه،قم،مؤسسه البعثه،1415

البرهان فی علوم القرآن،زرکشی، بدرالدینتحقیق یوسف عبدالرحمن بن مرعشلی، بیروت،دارالمعرفه،1410ق

تاریخ العرب فی الإسلام، علي، جواد،مطبعه الزعیم،1961

تاریخ عمومی حدیث،معارف،مجید،تهران، انتشارات کویر،1384

تاریخ قرآن، رامیار،محمود ،تهران،امیر کبیر1378

التبیان فی تفسیر القرآن،طوسی،محمدبن حسن،داراحیاء التراث العربی،بیروت،بی تا

تسنیم ،جوادی آملی،عبدالله،اسراء،1378 ج1

تصحیح اعتقادات الإمامیه،مفید،تحقیق حسین درگاهی،بیروت،دارالمفید،چ دوم،1414ق

تفسیر التحریر و التنویر،ابن عاشور،بیروت،مؤسسه التاریخ،1420ق

التفسیر الحدیث، محمد عزت دروزه، ،قاهره 1383

تفسیرالطبری، جامع البيان في تفسير القرآن، محمد بن جرير دارالكتب العلميه، بيروت، چ سوم، بي تا.

**تفسير الكاشف**، مغنیه، محمد جواد ، ،دارالعلم للملایین چ دوم بیروت 1978م

تفسیر القمی،قمی علی بن ابراهیم،تصحیح سیدطیب جزائری،قم مؤسسه دارالکتاب،چ سوم، 1404ق

تفسیر نمونه،مکارم شیرازی و همکاران،تهران،دارالکتب الإسلامیه،چ سی ام،1377ش

تفسیر نورالثقلین،حویزی،عبدعلی بن جمعه، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی،قم،مؤسسه اسماعیلیان چ چهارم،1417

تفسیر المراغی، مراغی ،احمد بن مصطفی، ،دار احیاء التراث العربی، ،چ دوم بیروت1985م

التمهید فی علوم القرآن،معرفت، محمدهادی،قم،مؤسسه النشر الإسلامی،چ سوم،1416ق

حیات فکری و سیاسی امامان شیعه(ع)،جعفریان،رسول،قم،انصاریان،1383

**زاد المسیر فی علم التفسیر**، ابن الجوزی،ابو الفرج جمال الدین عبد الرحمن محمد الجوزی القرشی،بیروت، المکتب الإسلامی، 1987

**السیره النبویه**، ابن هشام،عبد الملك ،دار احیاءالتراث العربی،بیروت،1995

السیره الحلبیه فی سیره الأمین المامون، حلبي، علي بن برهان‌الدين،دارالمعرفه،بی تا

شرح چهل حديث، خميني، روح الله،تهران، مؤسسه تنظيم ونشر آثار،1378ش.

الصحیح البخاری،بخاری،محمدبن اسماعیل،بیروت،دارالفکر، بی تا

علوم القرآن عندالمفسرین،مکتب العلام الإسلامی فی الحوزه العلمیه

**عیون اخبارالرضا** ،صدوق، انتشارات جهاد، تهران، بي تا.و منشورات الرضی قم چ اول 1378ش

**الفهرست**، ابن ندیم، **،**ترجمه رضا تجدد،چ دوم تهران ،چاپخانة بانک بازرگانی ایران،1346ش

**الكتاب و الفرقان** الشحرور،محمد، ، قراءۀ معاصرۀ، چ اول، دمشق، 1990 م.

کافی،کلینی،محمد بن یعقوب، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الإسلامیه، چ سوم،1388

لسان العرب،ابن منظور،داراحیاء التراث العربی،،بیروت،1405ق

مباحث فی علوم القرآن،صبحی صالح،بیروت،دارالعلم للملایین،1974م

**محاسن التأويل**، قاسمي ،احمد جمال الدين، دارالفكربيروت، و داراحیاءالعربی1415ق

**محاضرات فی علوم القرآن**، عتر ، نور الدین، ،نشر جامعه دمشق1984

معجم مقاییس اللغه، ابن فارس، احمد، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم،1407ق

مناقب آل ابی طالب،ابن شهر آشوب،نجف،المطبعه الحیدریه،1376ق

**مناهل العرفان في علوم القرآن،** زرقاني،محمدعبدالعظيم،بيروت،مؤسسه التاریخ العربی،1991م

المنير في العقيده و الشريعۀ، معروف به التفسير المنير، زحيلي،وهبه، بيروت، دمشق، دارالفكر المعاصر، دارالفكر، چ اول، 1411 ق.

المیزان فی تفسیر القرآن،طباطبایی،محمد حسین،قم، اسماعیلیان،1970م.

مجموعه مقالات و پرسش ها و پاسخ ها، طباطبايي،سيد محمد حسين،مقاله اجتهاد و تقليد، تهران، دفتر نشرفرهنگ اسلامي، چ اول، 1371ش.

مقاله آيا اسلام به احتياجات واقعي هر عصري پاسخ مي دهد، طباطبايي،سيد محمد حسين، مكتب اسلام، قم، چ حكمت.،بی تا

**نقدي بر قرائت رسمي از دين**، مجتهد شبستري، محمد، تهران، طرح نو چ اول، 1410

وسایل الشیعه،حرعاملی،قم،مؤسسه آل البیت لإحیاء التراث ،1414ق

1. . عضو هیئت علمی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد [↑](#footnote-ref-2)
2. . البته سالهای 151 و 153 هجری نیز نقل شده است (ابن شهر آشوب ،مناقب آل ابیطالب،ج4،ص367) [↑](#footnote-ref-3)
3. . امام به گونه های مختلف از جمله وداع های متعدد و متفاوت با مرقد شریف رسولخدا(ص) ،سخنان و سفارش های ایشان به خانواده در آستانه سفر به خراسان و حتی تصریح آن حضرت(ع) به این که دیگر مدینه رانخواهد دید اجبار و اکراه خود در پذیرش دعوت مامون را نشان داد (.صدوق،عیون اخبارالرضا، ج2،ص217.مناقب آل ابیطالب،ج4ص340)تحلیل علل این پیشنهاد از سوی مامون و رد آن حضرت (ع)مجالی دیگر می طلبد. [↑](#footnote-ref-4)
4. . بیت المعمور به معنای خانه آباد است که خداوند متعال در سوره طور بدان قسم خورده است(طور/4)برخی روایات رسیده از صحابه این مکان را خانه ای در آسمان در برابر کعبه – بیت الحرام،یا بیت العقیق دانسته اند.(طبری،ج11جزء27،ص10-11 سیوطی،درالمنثور، ج4،117-118)از میان راویان حسن بصری بیت المعمور را به دور از هر وصف آسمانی همان کعبه دانسته(طوسی،ج9، ص402،ابن جوزی،ج8،ص47) ودر میان مفسران معاصر نظریه غالب همین رأی است.(ابن عاشور،ج27،ص38،مغنیه،ج7،ص161،قاسمی،ج15،ص209،مراغی،ج9،جزء27،ص19،زحیلی،ج27،ص67) [↑](#footnote-ref-5)
5. . ممکن است این اشکال بر این نظر وارد شود که آیه ای که در آن به تعداد رکعات نماز اشاره کرده باشد نداریم و حکم کیفیت نمازاز روایات بدست می آید. [↑](#footnote-ref-6)
6. . قرطبی بر این باور است که این نظر بهترین وجه در تعریف محکم و متشابه است اما دقت نکرده که آیه ای که در آن از خروج دجال یا یاجوج و ماجوج سخن گفته باشد نداریم. [↑](#footnote-ref-7)
7. . سند این روایت تا ابوحیون صحیح است البته برخی چون ابراهیم بن هاشم یعنی پدر علی بن ابراهیم را امامی ممدوح دانسته اند سند را تا ابوحیون حسن می دانند اما در باره ابوحیون در کتب رجالی مدح و ذمی نیامده و نجاشی فقط از او کتابی به نام ملاحم را گزارش کرده است این روایت با آیه هفتم سوره آل عمران و روایتی دیگر از امام علی(ع) قابل تایید است. [↑](#footnote-ref-8)
8. . ما خلقت الجنَّ والإنس الاّ ليعبدون كه مفسران آن را به «الاّ ليعرفون تفسير كرده اند. [↑](#footnote-ref-9)